

جایگاه القا و لحن کلام در روند رشد کودک مبتنی بر ساختار کلام در قرآن کریم

فاطمه باقرصاد^۱

فاطمه فیاض^۲

چکیده

کلام به عنوان یکی از پیچیده‌ترین پدیده‌های شناختی و ارتباطی، از نخستین مراحل رشد انسان شکل می‌گیرد و نقشی بنیادین در تحول روان‌شناختی و شناختی فرد ایفا می‌کند. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رویکرد توصیفی-استنباطی و روش اکسپرت پنل، به بررسی تأثیر مؤلفه‌های القا و لحن در فرایند رشد کودک بر مبنای مدل قرآنی کلام پرداخته است. در این راستا با توجه به جایگاه محوری کلام در رشد انسان از منظر قرآن، میزان اثرگذاری این دو مؤلفه در سه ساحت نطق، قول و کلام در دوره نخست رشد کودک تحلیل شده است. نتایج پژوهش نشان داد که مواجهه مداوم کودک با القا و لحن‌های طیب و مثبت، نقش قابل توجهی در تقویت امنیت روانی، شکوفایی عواطف و ارتقای ظرفیت‌های شناختی و زبانی ایفا می‌کند. در مقابل قرار گرفتن در معرض القا و لحن‌های غیرطیب و منفی، می‌تواند منجر به اختلال در رشد شناختی و عاطفی کودک شود و روند تکامل زبانی و اجتماعی وی را مختل کند. یافته‌های این پژوهش بر اهمیت سازوکارهای زبان‌شناختی و روان‌شناختی نهفته در کلام تأکید دارد و دلالت‌های مهمی برای حوزه‌های تعلیم و تربیت، رشد زبان و روان‌شناسی شناختی ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: ساختار کلام، القا، لحن، مدل قرآنی کلام، رشد کودک، زبان‌شناسی رشد، روان‌شناسی زبان.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی اسلامی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی اسلامی، دانشگاه معارف قرآن و عترت،

اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول) F.Baghersad@gmail.com

۲. استادیار، گروه روانشناسی و علوم تربیتی، پژوهشکده زنان، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. f.fayyaz@alzahra.ac.ir

مقدمه

زبان را می‌توان به عنوان ابزاری در نظر گرفت که قادر به اجرای طیف وسیعی از کاربردهای روانی است. جریان آن نه تنها موازی با محتوای درونی آگاهی است؛ بلکه با آن در سطوح مختلف موازی می‌شود؛ از حالت ذهنی که تحت تسلط تصاویر خاص است تا حالتی که در آن مفاهیم انتزاعی و روابط آن‌ها به تنهایی در کانون توجه قرار دارند و معمولاً استدلال نامیده می‌شود (Stones, 1979, p.5). تکامل زبان (قوانین عمومی و مشترک ساخته شده) و گفتار (معنای کلامی ارتباط) از جنبه‌های اصلی تکامل در انسان و حاصل یکی از پیچیده‌ترین عملکردهای مغز محسوب می‌شود؛ به طوری که گاهی از آن به عنوان عالی‌ترین کارکرد قشر مغز یاد می‌شود (وامقی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۲).

انسان‌ها از ابتدای زندگی در معرض فرکانس پایه (f_0) قرار می‌گیرند که به عنوان زیر و بمی صدا درک می‌شود. این فرکانس اطلاعات گسترده‌ای از جمله اطلاعات زبانی (مانند لحن و آگاهی) و فرازبانی (مانند نیت گوینده، احساسات) را حمل می‌کند (Liu & Götz & Lorette & Tyler, 2022, p.3). صورت گفتاری هر زبان، یکی از ویژگی‌های همگانی آن‌هاست (سلطانی، ۲۰۰۷، ص ۲) که در ساختار گفتار، انتقال نظر و معنای گوینده نقش بسزایی دارد. در واقع مشخصه‌های نوایی از جمله آهنگ در ایجاد ارتباط و انتقال معنی به قدری حائز اهمیت هستند که حذف آن‌ها می‌تواند به نوعی موجب اختلال در درک و یا انتقال مفهوم واقعی پیام شود. بنابراین آهنگ گفتار نقش بسیار مهمی در افزایش قابلیت فهم گفتار و انتقال صحیح مفهوم به ویژه در گفتار محاوره‌ای دارد (کرد و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۶). این مؤلفه مهم در کلام انسان، بر تغییرات زیر و بمی در گفتار و چگونگی تولید آن از سوی گوینده و دریافت آن از سوی شنونده نظارت دارد؛ یعنی شنونده را در فهم آنچه گوینده درصدد انتقال آن است، یاری می‌دهد (Roach, 1947, p.5). این تولید و دریافت توسط گویندگان و شنوندگان به طور ناخودآگاه و به شیوه‌ای نظام‌مند انجام می‌شود. به بیان دیگر گویندگان در بافت‌های زبانی یکسان، گفتاری با آهنگ یکسان تولید می‌کنند و شنوندگان نیز از گفتارهای تولیدشده در بافت‌های یکسان از سوی افراد متفاوت، معنای ثابتی را استنباط می‌کنند. این واقعیت حاکی از نظام‌مند بودن آهنگ زبان است (اسلامی، ۱۳۸۴، ص ۷۷).

سیر تحولات دریافت و فهم لحن، از نوزادی تا پیش دبستانی به این صورت است که کودک در همان مقطع ابتدایی به صداهاى مختلف واکنش نشان می‌دهد. نتایج پژوهش‌ها در این زمینه نشان می‌دهد که نوزادان از همان ابتدای زندگی به فرکانس‌های پایه که به عنوان زیر و بمی صدا درک می‌شود، حساسیت دارند. همچنین نوزادان به صداهاى آرام و ملایم واکنش بهتری نشان می‌دهند و این صداها می‌توانند به کاهش استرس و افزایش آرامش آن‌ها کمک کنند (Kim, 2016, p.3). درک نوزادان از زیر و بمی و لحن، به زبان مادری آن‌ها اختصاص می‌یابد که به تمایز صداهاى گفتاری کمک می‌کند. این تغییرات درک به نوزادان کمک می‌کند تا به تدریج به زبان مادری خود مسلط شوند (Fort & Butler, 2018, p.154). لحن به انتقال احساسات و نیت‌ها در گفتار کمک می‌کند و نوزادان نیز از همان ابتدا شروع به شناسایی آن می‌کنند. نوزادان از طریق لحن می‌توانند احساسات مختلف مانند شادی، غم و عصبانیت را تشخیص دهند (Johnson & Seidl, 2009, P.4).

کودکان پیش دبستانی هنوز در حال توسعه توانایی‌های خود در استفاده از لحن‌های مختلف هستند. آن‌ها به تدریج توانایی استفاده از لحن‌های پیچیده‌تر را کسب می‌کنند و می‌توانند در موقعیت‌های مختلف، از آن‌ها به درستی استفاده کنند. کودکان زیر شش سال هنوز توانایی کامل برای پردازش کلمات با تأکید نواختی را ندارند. با این حال کودکان حدود پنج ساله، شروع به نشان دادن مزیت زمانی پردازش برای کلمات با تأکید معنایی می‌کنند که نشان‌دهنده توسعه ساختارهای معنایی جمله است (Cutler & Swinney, 1987, p.3). همچنین کودکان پیش دبستانی توانایی استفاده از نواخت برای بیان معانی پراگماتیک را توسعه می‌دهند. بر اساس یک مطالعه، توانایی‌های پراگماتیک نواختی کودکان با توسعه نظریه ذهن آن‌ها نیز مرتبط است (Pronina, 2021, p.2). باید توجه داشت که توانایی تولید لحن در کودکان پیش دبستانی به طور عمده تثبیت شده است، اما برخی تفاوت‌های عملکردی خاص تا سن ۸ سالگی به طور کامل شکل نمی‌گیرد (Wells & Peppé & Goulondris, 2004, p.4). پژوهش حاضر در نظر دارد این جزء کلام را از منظری نوین و با رویکردی قرآنی مورد مطالعه قرار دهد. اخوت (۱۳۸۷ - ۱۴۰۲) به عنوان یکی از محققین قرآنی، با استفاده از

روش‌های تدبیر در قرآن، مدل نظری جدیدی را در زمینه رشد انسان بر اساس رویکردی روشمند و طی پژوهش‌های متعدد، از قرآن و روایات استخراج کرده است.

مفهومی اصطلاحی رشد با آنچه در قرآن آمده است، تفاوت‌هایی دارد. رشد از این منظر، نتیجه سیر و حرکت انسان به سوی کمال است که تنها به او اختصاص دارد و او را از سایر مخلوقات متمایز می‌کند. رشد در علم روان‌شناسی تحولی، به معنای هر گونه پیشرفتی است که در آن اشاره‌ای به الهی یا غیر الهی بودن آن ندارد؛ در حالی که رشد در قرآن و روایات نه تنها پیوسته دارای بار مثبت است؛ بلکه به عنوان غایت هدایت به حساب می‌آید (اخوت، ۱۳۹۴ (الف)، ص ۸۳). وجود مراتب رشد بر اساس مراحل زندگی انسان است. بدین ترتیب می‌توان برای رشد متناسب با مراحل مختلف زندگی، مراتب قائل شد (اخوت، ۱۳۹۳، ص ۴۰). هر مرحله ناظر به طی کردن مسیرها و انجام برنامه‌هایی مشخص است که باید برای شکوفایی استعدادها و به دست آوردن توانمندی پیش برود (اخوت و قاسمی، ۱۳۹۶ (الف)، ص ۶۲). در مدل منظومه رشد قرآنی، کلام و اجزای آن که بر اساس ساختار کلام در آیات قرآن به دست آمده است، تعریف و جایگاه ویژه‌ای دارد و به عنوان شاخص رشد انسان در دوره اول یعنی کودکی محسوب می‌شود. مؤلفه‌های این ساختار شامل القا و لحن، اسم، فعل، قیود، عطف و فصل، سمت و سو و شرط و هشیاری در کلام است. در میان این مؤلفه‌ها، آهنگ گفتار به صورتی کامل‌تر و دقیق‌تر با عنوان «لحن و القا»، در گفتار والدین با کودک مورد توجه و بررسی قرار گرفته است.

لحن، فحوای کلام و اشارات غیر صریح کلام و همان روشی است که قرآن کریم در بنای ساختار گفتگوها از آن استفاده کرده و با لحن خطاب‌های خود، مجالی برای انتقال پیام به قصد فهماندن آن ایجاد نموده است که به وسیله قرائن زبانی و برون متنی آشکار می‌شود. برای مثال در آیه ۲۹ سوره یوسف، لحن تلطیف در ابتدای کلام از طریق قرینه مشافهه و خطاب به دست می‌آید (معرفت، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۶۴). لحن کلام در قرآن در دلالت الفاظ تأثیر می‌گذارد و معنای سخن را تعیین می‌نماید (هاشمی آشتیانی، رحمان ستایش و مهدوی‌راد، ۱۴۰۱، ص ۳) برای مثال آیات ۱ تا ۵ سوره نبا، لحن عبارات تهدیدی است و همین تهدید بر اینکه سؤال‌کنندگان،

مشرکان منکر معاد بوده‌اند، نه مؤمنان و نه عموم مشرکان و مؤمنان قرینه است (طباطبایی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۶۰). لحن گفتار در قرآن، از جمله موضوعاتی است که نمود بارز ویژگی شفاهی و سبک گفتاری در متن قرآن است (معرفت، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۴۹). در واقع، لحن نوعی موسیقی درونی در کلام قرآن است که احساس شدنی است. این موسیقی در تار و پود الفاظ و در ترکیب درون جمله‌ها، نهفته است (سیدقطب، بی‌تا، ص ۹۳).

قرآن برای انتقال حقایق از ابزارهای زبان عربی به گونه‌ای استفاده کرده است که بیان فطری انسان را مورد هدف قرار داده است؛ یعنی از نوع استفاده قرآن از این ابزارها، می‌توان به شناخت بیان در انسان پی برد. بخش‌های کلام در قرآن، ویژگی‌های مختص به خود را داراست. با استفاده از ساختار کلام قرآن، می‌توان به مؤلفه‌های بیان در انسان دست یافت؛ مؤلفه‌هایی که وجود آن‌ها به امکان هدایت انسان و تقویت آن‌ها به شکوفایی انسان می‌انجامد (اخوت و قاسمی، ۱۴۰۰). عربی بودن قرآن با فطری بودن این کلام، ملازم است و این امر موجب افزایش قدرت اثرگذاری آن می‌شود. کلام عربی در پیدایش خود مرحله‌ای را طی می‌کند. این مراحل از مقاصد متکلم شروع می‌شود و به صورت القایی جریان می‌یابد و با لحنی مشخص ابراز می‌شود (اخوت، ۱۳۹۶، ص ۶). انتقال خصوصیات القا و لحن به انسان موجب می‌شود تا ضمن کشف اثر آن‌ها، این دو مؤلفه کلام را به شکل صحیح و آگاهانه و مؤثر به کار برد (اخوت و قاسمی، ۱۴۰۰، ص ۶۹). مؤلفه القا و لحن می‌تواند در این ساختار، یکی از مهم‌ترین موضوعات در عرصه تعلیم و تزکیه قرار گیرد که بیش از همه متعلق به زمانی است که کودک به ظاهر فاقد قدرت تکلم و فهم کلام است و این، در حالی است که اظهار دوستی و محبت، با نوازش و القای عواطف به کودک از طریق به کارگیری انواع لحن، از مهم‌ترین وظایف والدین در این دوران محسوب می‌شود (اخوت، ۱۳۹۶، ص ۴۷).

در توضیح القا می‌توان گفت که موجودات در انعکاس وجودی که از هستی‌آفرین دریافت کرده‌اند، دارای آثاری حیاتی هستند. در نتیجه رویارویی مخلوقات با هم و به واسطه اثرگذاری که بر هم دارند، مفهومی به نام القا شکل می‌گیرد. القا یعنی چیزی یا شخصی را با چیزی یا شخص دیگری، رویارویی دادن تا اثری را دریافت کند (اخوت و قاسمی، ۱۳۹۶، ص ۹۹).

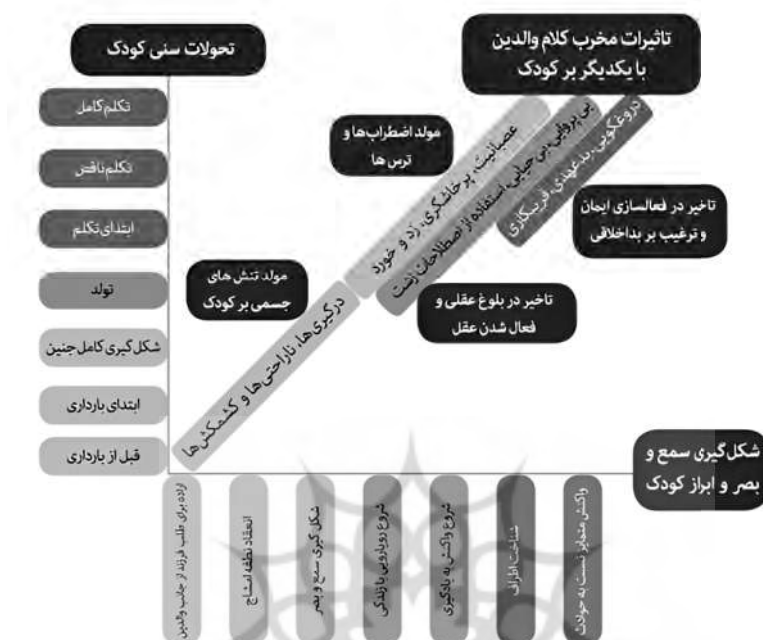
ص ۵۶). چگونگی انتقال کلام، دامنه‌ای وسیع دارد که متناسب با هر موقعیت و هر کلامی است. القایکی از راه‌های این انتقال است که به شکل رفتاری صورت می‌گیرد و الفاظ در آن نقشی ندارد (اخوت و قاسمی، ۱۴۰۰، ص ۴۲). با توجه به آیات قرآن، انسان هم القاکننده و هم القاشونده و هر باور و رفتاری در انسان، خواسته یا ناخواسته دارای آثار القائی بر خود و دیگران است (اخوت و قاسمی، ۱۳۹۶، ص ۳۵).

در توضیح لحن نیز باید گفت شکل‌گیری شناخت در انسان، وابسته به لحن است و اولین مرحله ادراک و فهم در انسان، با دریافت لحن اتفاق می‌افتد. لحن، ایجادکننده کلام است که می‌تواند هم راستا یا نا هم راستا با متن و محتوای کلمه‌ها و جمله‌ها باشد. آنچه لحن را می‌سازد، حالت‌های درونی انسان نسبت به موضوع کلام است (اخوت و قاسمی، ۱۴۰۰، ص ۵۲). آنچه در پس زمینه هر کلامی انتقال‌دهنده مقصد متکلم است، لحن کلام اوست. لحن مهربانانه، انتقادی، دوستانه، خصمانه، از روی ضعف، از روی قوت و ... مواردی هستند که کلام در هر حالتی از آن‌ها بهره‌مند است و می‌تواند به مقصد کلام، جهت مثبت یا منفی بدهد. حالت القایی کلام با لحن آن مشخص می‌شود و در حقیقت لحن به عنوان روح جاری در کلام، عهده‌دار نفوذ در دل مخاطب است (اخوت، ۱۳۹۶، ص ۶۲).

لحن کلام تعیین‌کننده جهت آن است و می‌تواند طیب یا خبیث باشد. بسیاری از گفتگوهای ناشایست به ظاهر دارای الفاظ خوب هستند، ولی با لحنی که دارند؛ به خبائث آلوده می‌شوند. از این رو اهمیت توجه به لحن گاهی از توجه به الفاظ طیب بیشتر است (اخوت و فیاض، ۱۳۹۵، ص ۹۶). برای بهره‌مند شدن از لحن طیب، چاره‌ای جز دوری از شناخت و پرهیز از لحن خبیث نیست. در قرآن و روایات بررسی کلمات «همز» و «لمز» که مربوط به سرزنش و طعنه است، در این خصوص قابل تأمل و بررسی است (اخوت و قاسمی، ۱۳۹۳، ص ۶۴). بخش مهمی از تعلیم و تزکیه یا تخریب آن نیز بر پایه القای صورت می‌گیرد. هر رویارویی دارای انواعی از القای مثبت یا منفی خواسته یا ناخواسته است. هر اندازه قدرت القاکننده (به وسیله تمرکز و توجه کافی، ارتقای نیت و اراده و ...) بیشتر باشد، این اثرگذاری بیشتر می‌شود (اخوت، ۱۳۹۶، ص ۶۶). در این میان عواملی نیز وجود دارد که می‌تواند القادهنده

مشاهده است:





نمودار ۲: ویژگی‌های محیط رشد ناامن (اخوت، ۱۳۹۶، ص ۶۲)

یکی از ویژگی‌هایی که خداوند به موجودات عطا کرده است، قدرت ابراز است. خداوند به موجودات اذن بروز عطا کرده و این بروز را منشأ اقتضای آفرینی و اثربخشی و تأثیرپذیری قرار داده است (اخوت، ۱۳۹۴، ص ۵۳). برای برنامه‌ریزی در خصوص تعلیم در دوره اول رشد، لازم است سه نوع بروز انسان یعنی نطق و قول و کلام به صورت مجزا و سپس در ارتباط با هم مورد مطالعه قرار داد و به محدودیت‌ها و آسیب‌های وارد به هر یک نیز واقف بود (اخوت، ۱۳۹۲، ص ۴۱). نطق، کلام و قول کودک، عوامل اصلی در چیدمان اصول و مهارت‌های تربیتی دوره اول رشد و از ابزارها و دارایی‌های کودک هستند که با محوریت قرار دادن طبییات باید تأدیب شوند و شکل گیرند (اخوت و فیاض، ۱۳۹۵، ص ۱۱).

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های انسان، امکانی است که برای آشکار شدن درونیات خود دارد. به واسطه این امکان است که نیازها و باورهای فرد، خواسته یا ناخواسته ابراز و در این وضعیت، فرد شناخته می‌شود. از این ویژگی انسان می‌توان به نطق تعبیر کرد (اخوت و قاسمی، ۱۴۰۰، ص ۴۵). در

ابتدای زندگی، نطق آگاهانه نیست. سپس باگذشت زمان و با تقویت علم به تدریج نطق در انسان آگاهانه می شود و هر قدر آگاهی او نسبت به اطراف افزایش یابد، نطق او نیز توسعه می یابد (اخوت، ۱۳۹۲، ص ۵۲). کلام به معنای انتقال پیامی به مخاطب به وسیله تألیف کلمات و با قصد مشخص است. بنابراین وسیله ای برای نطق محسوب می شود و به وسیله آن می توان معنایی را قصد کرد و به مخاطب رساند (همان، ص ۵۴). کلام به شکل گزاره در انسان استقرار می یابد و در واقع با حذف متکلم و مخاطب امکان ثبت و حفظ می یابد که در این صورت دیگر به آن کلام گفته نمی شود و می توان از آن به قول تعبیر کرد که همان پیام های ثبت شده در فرد است که به شکل ابراز باورها خود را نشان می دهد و در انسان نقش آفرینی می کند و گاه به شکل رفتار و گاه به شکل صفات و حتی به شکل کلام و گفتار خود را آشکار می کند (اخوت و قاسمی، ۱۴۰۰، ص ۶۰). بنابراین قول بر هر قصد و اراده ای که اظهار می شود و نوعاً بر باوری استوار است، اطلاق می گردد. از بین سه توان ذکر شده، قول نقش واسطه را ایفا می کند؛ به نحوی که از سویی می تواند معلوم کننده نطق باشد و از سوی دیگر می تواند به کلام تبدیل شود (اخوت، ۱۳۹۴، ص ۴۳).

انسان که از طفولیت زندگی خود را آغاز می کند، در معرض انواع رفتارها و گفتارها و به طور طبیعی مخاطب خانواده و محیط قرار می گیرد. اگر چه بسیاری از مواردی که انسان با آن روبه رو می شود، در ظاهر از جنس کلام نیست؛ ولی به طور تکوینی طفل را در مواجهه با نوعی کلام قرار می دهد. این کلام محیطی و کلی که برگرفته از واکنش های اطرافیان (نطق)، باورها و اعتقادات آن ها (قول) و گفتگوهای آنان با کودک (کلام) است، ممکن است حق یا باطل یا ممزوجی از آن باشد که در هر صورت به ارتباط کودک با دیگران و محیط وابسته است و از آن تأثیر می گیرد (اخوت و قاسمی، ۱۴۰۰، ص ۱۶۸). در کلام بشری، متکلم با کلام مقاصد درونی خود (نطق) را بیان می نماید و از این طریق نطقی را در مخاطب برانگیخته می کند که بیان کننده درونیات مخاطب و واکنش او نسبت به رخدادی است. در این اظهار کلام، متکلم اعتقادات و منویات خود را در اختیار مخاطب قرار می دهد؛ بدین ترتیب در هر کلام بشری افزون بر کلام، نطق و قول متکلم و مخاطب نیز آشکار می شود. به طور طبیعی هر نطقی با حواس ظاهری و باطنی مرتبط و هر قولی نیز با قلب و باورهای درونی مرتبط است؛ بدین ترتیب

در طبع هر کلامی چه برای متکلم و چه برای مخاطب، ارتباط با حواس ظاهری و باطنی و نیز ارتباط هر دو با قلب هایشان که مرکز ادراکات و عواطف آن هاست؛ امری معلوم و بدیهی است (اخوت، ۱۳۹۶، ص ۶). غایت یا نهایت رشد در هفت سال اول، هدایت نطق و تعلیم کلام به گونه ای است که زمینه رشد بهتر در دوره های بعد را فراهم کند؛ نطقی که توان فرد را در تفکر تفصیلی و متمایز دیدن موضوعات فراهم و کلامی که قابلیت بیان درونیات را ایجاد کند و زمینه ای برای شکل دهی به باورهای زیبا و توحیدی شود (اخوت و فیاض، ۱۳۹۵، ص ۴۴). در زمینه بررسی اهمیت جایگاه لحن کلام در ابعاد مختلف رشد کودک، نحوه اثرگذاری لحن در کودک، بررسی میزان این تأثیرات در سنین مختلف و قابلیت ها و توانمندی کودک در ارائه لحن در کلام، پژوهش های متعددی در ایران و خارج از کشور صورت گرفته است. از جمله می توان به پژوهش زهرا پورعلی بازرگانی (۱۳۹۳) با عنوان «فرایند رشد کارکردهای آهنگ گفتار در کودکان پیش از دبستان فارسی زبان» اشاره کرد که در آن به منظور بررسی کارکردهای دستوری، تأکیدی و گفتمانی آهنگ در کودکان دو تا شش سال فارسی زبان، جملات مربوط به هر کارکرد از داده های به دست آمده، استخراج شده است. نتایج در این پژوهش نشان دادند که کودکان در تمامی گروه های سنی با میانگین سنی ۲/۴، ۳/۶، ۴/۵ و ۵/۸ هنگام تولید گفتار از هر سه کارکرد دستوری، تأکیدی و گفتمانی آهنگ در گفتارشان بهره می برند. پژوهش دیگری با عنوان «رشد آهنگ کلام در کودکان دبستانی» توسط پروانه پیماندار (۱۳۸۹)، رشد درک آهنگ کلام کودکان در چهار جنبه کاربردی، برش پاره گفتار، عاطفه و احساس، تعامل و کانون را مورد بررسی قرار داده است. یکی از نتایج این پژوهش، این است که کودک تا پیش از ورود به دبستان بخش عمده ای از توانایی درک آهنگ را به دست آورده است، اما این رشد همچنان کامل نیست. همچنین از میان جنبه های مختلف درک کارکردهای آهنگ در سه مقطع اول دبستان، فقط درک آهنگ عاطفی کلام روندی رو به رشد دارد. در پژوهش دیگری که توسط پیلار پریئو^۱ (۲۰۱۸) صورت گرفته است، به بررسی «نقش لحن و آهنگ در توسعه زبان کودکان» پرداخته می شود و نشان می دهد که چگونه لحن می تواند به بهبود مهارت های زبانی و اجتماعی کمک کند.

پیرا فیلپی^۱ (۲۰۲۰) در پژوهش خود با عنوان «تأثیر لحن بر انتقال احساسات»، بیان می‌کند که لحن می‌تواند برای انتقال احساسات مختلف به طور مؤثری نقش ایفا کند. ضمن اینکه شنوندگان کلام می‌توانند با استفاده از لحن، احساسات گوینده را بهتر درک کنند. همچنین به این نکته اشاره دارد که نحوه استفاده از لحن برای انتقال احساسات در فرهنگ‌های مختلف، متفاوت است.

آن فرنالد^۲ (۱۹۸۶) در مطالعه‌ای به بررسی قدرت لحن و آهنگ کلام، در انتقال اطلاعات معنی‌دار درباره نیت ارتباطی گوینده در گفتار خطاب به نوزادان و بزرگسالان می‌پردازد. این مقاله با عنوان «لحن و نیت ارتباطی در گفتار مادران با نوزادان» به دنبال پاسخ به این پرسش که آیا آهنگ گفتار حاوی پیام است؟ وی با مقایسه نمونه گفتار مادران در خطاب به بزرگسالان با خطاب به نوزادان به این نتیجه می‌رسد که الگوهای آهنگین گفتار به نوزادان، اطلاعات بیشتری نسبت به گفتار بزرگسالان ارائه می‌دهد و ممکن است به نوزادان نشانه‌های قابل اعتمادی از نیت ارتباطی گوینده بدهد. در زمینه این مؤلفه کلام، پژوهشی که بر اساس ساختار کلام در قرآن به صورت اختصاصی نقش القا و لحن را در سیر رشد کودک مورد بررسی و مطالعه دهد، یافت نشد. بدین ترتیب انجام این پژوهش ضمن نوآوری آن، در زمینه گسترش نظریات قرآن بنیان ضرورت دارد.

روش

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات کیفی و در پی رسیدن به یک بینش معنادار از یک پدیده است. روش تحقیق به کار رفته در این تحقیق، آمیخته‌ای از سه روش توصیف، تحلیل و استنباط است. در این رویکرد، پژوهشگر یک گام فراتر رفته و در تلاش است به تفسیر آنچه که توصیف کرده بپردازد. (Maykut & Morehouse, 1994, p.122)

گردآوری داده‌ها توسط محقق به روش کتابخانه‌ای، از کتاب‌ها و پژوهش‌های مرتبط و به صورت هدفمند انجام گرفته است. برای تحلیل داده‌ها طی جلساتی در قالب پنل نخبگان^۳، ضمن مورد بحث قرار گرفتن ابعاد و اهداف پژوهش، شاخص‌های استخراج شده توسط محقق،

1. P. Filippi

2. A. Fernald

3. Expert panel

تک به تک بررسی و اصلاح شد. اکسپرت پنل در معنای عام، گروهی از صاحب نظران پدیده مورد مطالعه است. این روش هم به عنوان روش اصلی و هم به صورت روش تکمیلی قابل استفاده است (قدیری، ۱۳۹۰، ص ۲۵). هدف یک پنل خبرگان، ارائه رویکردی انعطاف پذیر و محکم برای جلب ارزیابی های بی طرفانه از متخصصان یک حوزه است. (Maa & Hall & Barker, 2008. P.2)

پنل نخبگان پژوهش حاضر متشکل از روان شناسان عضو هیئت علمی دانشگاه های تهران، الزهرا و فردوسی به همراه دو تن از متخصصین علوم قرآنی که بر مبنای منظومه رشد قرآنی تسلط دارند، است. همچنین مؤلف و پژوهشگر مجموعه کتب منظومه رشد قرآنی، در این پنل حضور مستمر و مؤثر داشتند. بدین ترتیب مراحل زیر تحت نظر و تأیید پنل معرفی شده، برای تحقق هدف پژوهش طی شد:

۱. بررسی مفهوم کلام و مؤلفه های تشکیل دهنده آن بر اساس ساختار کلام قرآن، به عنوان شاخص ارزیابی رشد در دوره اول (بر مبنای منظومه رشد قرآنی)؛
۲. بررسی جایگاه و اثرات دو نوع طیب و غیر طیب القا و لحن، بر نطق و قول و کلام کودک در سه مقطع (با توجه به روند تحول اثرات این مؤلفه)؛
۳. استخراج شاخص های رشد و نواقص رشد کودک بر اساس مبنای پژوهش در زمینه مؤلفه القا و لحن در کلام.

بر اساس مطالب مطرح شده آنچه کودک به عنوان کلام در معرض آن است، نطق و قول و کلام او را شکل داده است و بر آن اثرات متعددی خواهد گذاشت. بر این اساس پژوهشی که بر اساس ساختار کلام در قرآن به صورت اختصاصی نقش لحن و القا را در سیر رشد کودک مورد بررسی و مطالعه دهد، یافت نشد. بدین ترتیب این پژوهش از این زاویه نگاه جدیدی به مؤلفه های ساختار کلام دارد و به تبیین نقش منحصر به فردی برای این مؤلفه کلام در تعیین میزان رشدیافتگی کودک می پردازد.

پژوهش حاضر در میان مؤلفه های تشکیل دهنده ساختار کلام، با هدف بررسی اثرات مؤلفه القا و لحن کلام بر هیجانات، احساسات، عواطف، شناخت و رفتار کودک یا به بیانی کامل تر نطق، قول و کلام کودک صورت گرفته است و سؤال اصلی آن، این است که

شاخص‌های رشد و در مقابل کمبود رشد (نواقص رشد) کودک در زمینه اثرات دو نوع کلی القا و لحن طیب و غیرطیب چه مواردی است؟

یافته‌ها

۱. چگونگی اثرگذاری لحن و القا در کلام بر روند رشد کودک

لحن‌های مختلف در کلام و القائات موجود در گفتارها و رفتارهایی که کودک از ابتدای تولد و حتی در دوران جنینی در معرض آن قرار می‌گیرد، از مؤلفه‌های نقش‌آفرین در تعیین چگونگی روند رشد او محسوب می‌شود. این مدعا بدین صورت قابل اثبات است که در مرحله اول، کودک بیش از هر نیاز دیگری به امنیت احتیاج دارد و شرط اولیه شکوفایی توان‌های او و در ادامه قرار گرفتن در مسیر رشد حقیقی، پرورش یافتن کودک در محیطی است که در آن احساس امن بودن دارد.

انتقال سهل عواطف والدین به کودک و دریافت کامل آن توسط او در بستری رخ می‌دهد که احساس امنیت کودک در آن تأمین شده باشد. بنابراین محیطی که در آن القاهای گفتاری و رفتاری والدین در تعامل با کودک و لحن‌هایی که در کلام‌شان به کار می‌گیرند، طیب باشد؛ این امنیت را برای کودک فراهم می‌آورد. در واقع امن شدن محیط زندگی کودک تحت تأثیر این دو عامل مهم است؛ به این صورت که محیط امن به وسیله لحن‌های طیب شکل می‌گیرد و در مقابل، محیط زندگی کودک با جریان داشتن لحن‌های غیر طیب ناامن می‌شود که در ادامه دریافت عواطف والدین را توسط کودک خدشه‌دار می‌کند. امن یا ناامن شدن محیط رشد کودک، در میزان و نحوه به کارگیری او از سمع و بصری (نحل: ۷۸)^۱ که اولین و مهم‌ترین توانی است که خداوند در اختیار هر انسانی از بدو تولد می‌گذارد، اثر مستقیم دارد. میزان رجوع کودک به فطرت و بیدار و فعال ماندن آن نیز متناسب با به کارگیری صحیح سمع و بصر در مسیر دریافت و درک حقایق هستی است.

از طرفی به کارگیری لحن‌های طیب که امن شدن محیط رشد کودک را به همراه دارد، باعث می‌شود او مجال این را بیابد که به خود و توانایی‌هایی که خدا در اختیار او قرار داده

۱. «وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ».

است، اطمینان کند و در ادامه در امور زندگی به استقلال کافی برسد و توان‌های خود را در مسیر درست به کار گیرد. این اعتماد کودک به خود و والدینش، در نهایت زمینه ایجاد اعتماد و حس ظن به پروردگار را فراهم می‌آورد و همین امر در ادامه بر شکل‌گیری و تقویت ایمان کودک به خدا نقش اساسی دارد.

این مسئله قابل توجه است که به دلیل اینکه کودک در دوره اول رشد به شدت تحت تأثیر حواس خود است و هر آنچه را از طریق آن‌ها دریافت می‌کند، بدون داشتن هیچ‌گونه تحلیلی مبنای عمل خود قرار می‌دهد، با قرار گرفتن در معرض لحن و القای غیر طیب بسیار اثر می‌پذیرد و ممکن است آسیب‌های جبران‌ناپذیری را پذیرا باشد. بدین ترتیب لحن و القای کلامی که کودک در طول دوره اول رشد خود با آن مواجه است، می‌تواند ضمن اثرگذاری بر عواطف او، جهت‌گیری پروژات او، افکار و اعمالش نقش داشته باشد و در نهایت سبب رشدیافتگی او یا در مقابل ایجاد آسیب‌ها و نواقصی در مسیر رشد او شود.

۲. ترتیب سطوح اثرگذاری القا و لحن

برای بررسی اثرات القا و لحن بر روند رشد کودک، توجه به این نکته ضروری است که سطح اثرپذیری کودک در مقاطع مختلف زندگی از این مؤلفه کلام، به طور یکسان و یکنواخت نیست. اثرگذاری القا بر کودک و میزان فهم و درک کودک از انواع لحن در کلام، از ابتدای تولد تا دورانی که به صورت کامل توان سخن گفتن می‌یابد، متغیر است. این امر بیانگر این نکته اساسی است که کودک در مقاطعی، اثرات متمایزی از القا و لحن کلام اطرافیان خود را دریافت می‌کند. هر چند سیر این اثرگذاری می‌تواند بر اساس تفاوت‌های فردی و متفاوت بودن سطح توانایی‌های کودکان با یکدیگر تقدیم یا تأخر داشته باشد و برخی این مراحل را زودتر و برخی دیرتر طی کنند، اما ترتیب این سیر در همه کودکان ثابت است.

مرحله اول: کودک در آغاز از کلام والدین و اطرافیان خود، تنها از نحوه رفتارهای آن‌ها اثر می‌پذیرد. در واقع اثرات القایی رفتارها به کودک منتقل می‌شود. برای مثال اگر مادر یک جمله را که دارای الفاظ ناشایست است و مفهوم ناراحت‌کننده‌ای دارد، با چهره‌ای خندان و با لحنی صمیمی و مهربانانه به کودک خود بیان کند؛ درون کودک حس خوشایندی

ایجاد می‌شود و به مادر خود با لبخند عکس‌العمل نشان می‌دهد، با اینکه ممکن است جمله مذکور حاوی کلماتی توهین‌آمیز یا خالی از محبت باشد. بالعکس اگر مادر بهترین و محبت‌آمیزترین کلمات را با چهره‌ای عبوس و صدایی بلند و خشمگین به کودک بیان کند، به سرعت در او اثر منفی می‌گذارد و حتی ممکن است به گریه کودک منجر شود. بنابراین در اولین مرحله، رفتارهای والدین و اطرافیان است که اثرات القایی در کودک دارند. رفتارها حتی ممکن است به صورت ناخواسته و زمانی که کودک مخاطب آن نیست، در او اثرگذار باشد؛ مانند زمانی که کودک شاهد مشاجرات والدین خود است و چهره‌های خشمگین و صدای بلند آن‌ها در او ایجاد احساس ناامنی می‌کند. افزون بر این، انواع رفتارهای گناه‌آلود در فضای خانه و خانواده اثرات القایی منفی بر کودک خواهد داشت. در این مرحله اثرات القا و لحن کلام محیط، در نطق کودک نمایان می‌شود و می‌توان با بررسی و ارزیابی چگونگی نطق او، به طیب یا خبیث بودن القا و لحن کلامی که در معرض آن بوده پی برد.

مرحله دوم: به تدریج با کامل‌تر شدن دایره لغات کودک و یادگیری معنا و مفهوم کلمات در طول تجربیاتی که کسب می‌کند، کودک می‌تواند افزون بر دریافت القاهای رفتاری، معنای جملات را دریابد. در ادامه مثال بالا کودک افزون بر اینکه از چهره بشاش و صدای آرام مادر لذت می‌برد، اگر مادر در انتخاب کلمات خود الفاظ زیبا حاوی معانی ساده و قابل فهم و محبت‌آمیز را در کلام خود به کار ببرد؛ اثرگذاری بیشتر و عمیق‌تر لحن کلام بر کودک را به همراه دارد. در این مقطع افزون بر نطق کودک، قول او که نوعی باورهای شکل گرفته در او و بنای عملکرد کودک است، نیز می‌تواند اثرات القا و لحن کلام محیط را در او به نمایش بگذارد. مرحله سوم: کودک رفته رفته به این قابلیت می‌رسد که انواعی از لحن‌ها را از یکدیگر تفکیک کند و تنوعی از لحن‌ها را با توجه به مقصودی که دارد، به کار ببرد. افزون بر تفکیک و تشخیص انواع لحن‌ها از یکدیگر، کودک به این توان می‌رسد که پیامی اختصاصی از هر لحن را دریافت کند و سطح درک خود را از هر کلام بالا ببرد. بدین صورت که کودک در پس هر کلام افزون بر دریافت القائات موجود در نوع رفتارها و فهم معانی گفتارها، گزاره‌هایی را نیز از کلامی که شنیده است، برای خود تولید و برداشت می‌کند. این مرحله سطح پیچیده‌ای از

اثرات لحن را به همراه دارد؛ زیرا کودک از کلامی که در معرض آن قرار گرفته است، مجموعه‌ای از القائات رفتاری، گفتاری و معانی فراتر از آن را درک می‌کند که هر کدام می‌تواند تغییرات عمیقی را در کودک ایجاد کند. برای مثال اگر پدر با فریاد و تکان دادن سریع دست‌ها در مقابل فرزندش که اشتباهی را مرتکب شده است، با استفاده از کلمات نامناسبی کلامی را بیان کند؛ کودک ضمن اثر گرفتن از نحوه رفتارهای پدر و گفتار او، چنین گزاره‌ای را دریافت می‌کند که انسان خطاکاری است، پدرش او را دوست ندارد، مورد احترام او نیست و این گزاره‌ها به تدریج به صورت باورهایی در خاطر کودک ثبت می‌شود که در ادامه در هر موقعیتی متناسبی، به آن‌ها رجوع می‌کند و تصمیمات و رفتارش بر اساس آن‌ها شکل می‌گیرد. افزون بر نطق و قول، کلام کودک که شامل همه رفتارها و گفتارهایی است که دیگران را مورد خطاب قرار می‌دهد و در واقع نمایان‌کننده نطق و قول کودک است، نیز به خوبی در این مقطع نشان‌دهنده اثرات القا و لحن کلام محیط بر اوست.

۳. شاخص‌های رشد و نقص در رشد کودک در حوزه و القا و لحن

با توجه به اینکه القا و لحن کلام در دو دسته طیب و غیر طیب تفکیک می‌شود، می‌توان در پی ایجاد سهولت در دریافت عواطف والدین توسط کودک و قرار گرفتن او در محیط رشد امن به وسیله القائات و لحن‌های طیب و زیبا، شاخص‌هایی برای رشد تعیین کرد. در مقابل در پی دریافت‌های نادرست از محیط و ناامن شدن محیط رشد کودک، به دلیل وجود القائات و لحن‌های نامناسب و غیرطیب، شاخص‌هایی برای نقص (به معنی کمبود) در رشد کودک به منظور تشخیص و مشاهده سطوح اثرگذاری لحن و القا بر کودک، به صورت عینی و مدرج استخراج نمود.

لازم به ذکر است سیر یادگیری و فهم کلام با توجه به قابلیت‌ها و توانمندی‌های هر کودک در زمینه زبان دریافتی و بیانی، سیر متفاوت اما صعودی دارد؛ یعنی هر چه کودک از ابتدای باز شدن زبانش به کلام، به دوره پیش دبستانی نزدیک می‌شود، توان او در تکلم و فهم آن بیشتر و شاخص‌ها دقیق‌تر و مشهودتر و در نتیجه، امکان بررسی و اندازه‌گیری آن‌ها بیشتر فراهم می‌شود. در اصل، رشد یا ایجاد نقصان و کمبود در روند رشد کودک به صورت تدریجی

صورت می‌گیرد. در صورتی که کودک به دلیل قرار داشتن در فضای نامطلوب تربیتی و عدم توجه والدین به نحوه کلام‌شان در محیط خانه و تعامل با کودک، در مسیری قرار بگیرد که با انواع القائات و لحن‌های نامطلوب و غیرطبیعی مواجه شود؛ با افزایش سن، نواقص رشدی او وسعت پیدا می‌کند و در کنار نواقص رشدی دیگر در سایر مؤلفه‌های تشکیل دهنده ساختار کلام، پیچیدگی بیشتری می‌یابد و طبیعتاً رفع و جبران آن دشوارتر خواهد شد.

از آنجایی که ابعاد روانی کودک شامل جنبه‌های مختلفی است که هر کدام نقش مهمی در رشد و توسعه شخصیت او دارند، به منظور مشاهده، بررسی و ارزیابی دقیق و عمیق روند رشد در زمینه مؤلفه القا و لحن، شاخص‌های رشد و نقص رشد در سه بعد هیجانی-عاطفی، شناختی و رفتاری در کودک از یکدیگر تفکیک می‌شود و در ساحت سه توان نطق، قول و کلام به عنوان سه توان رشدی او مطرح می‌گردد؛ هر چند در دوره اول رشد، این ابعاد به هم پیوسته هستند و هر کدام می‌توانند بر دیگری تأثیر بگذارد. در جدول زیر شاخص‌های رشد و نواقص رشد کودک در زمینه مؤلفه القا و لحن بیان شده است.

جدول ۱: شاخص‌های رشد و نقص رشد بر اساس مؤلفه القا و لحن در کودکی

مراحل تحول القا و لحن در کودک	توان‌های رشدی کودک	شاخص‌های رشد	شاخص‌های نواقص رشد
مرحله اول	نطق	کودک در مواجهه با والدین و مراقبین اصلی خود؛ آرام است. تمایل دارد به آغوش آن‌ها برود. لبخند می‌زند. بی‌قراری ندارد. حالتی از وابستگی نسبت به والدین دارد و از دور شدن آن‌ها غمگین می‌شود. شاد و پرنرزی است. نسبت به صوت‌ها و آواهای طیب واکنش مثبت دارد.	کودک در مواجهه با والدین و مراقبین اصلی خود؛ بیقرار است. از به آغوش رفتن آن‌ها خودداری می‌کند. بی‌تاب و غمگین است. نق می‌زند. رفتارهای پرخاشگرانه دارد. نسبت به در آغوش رفتن مقاومت می‌کند. نسبت به صوت‌ها و آواهای طیب واکنش منفی دارد یا هیچ واکنشی ندارد.

مراحل تحول القا و لحن در کودک	توان های رشدی کودک	شاخص های رشد	شاخص های نواقص رشد
مرحله دوم	نطق	از والدین درخواست بغل کردن می کند. نسبت به ارتباط با دیگران احساس ناامنی ندارد. نسبت به ارتباط با دیگران تمایل نشان می دهد. کودک خود را در آغوش والدین می اندازد. توان محبت کردن به وسیله بوسیدن والدین، نوازش کردن، نگاه محبت آمیز و رفتارهای مثبت به آن ها را دارد. کودک در مواجهه با لحن های غیرطبیع از خود واکنش منفی نشان می دهد. کودک به انجام اوامر و نواهی والدین رغبت دارد.	از والدین اجتناب می کند. تمایلی برای ارتباط با دیگران ندارد. از غریبه ها ترس شدید یا چسبندگی شدید دارد. نمی تواند محبت خود را به دیگران ابراز کند. ناراحتی خود را از والدین با پرخاشگری و لجبازی نشان می دهد. نافرمانی دارد. کودک بی تاب و کم صبر است. نشانه های اضطراب در کودک مشهود است. ترس های غیر منطقی دارد.
	قول	کودک در مواجهه با والدین و مراقبین اصلی خود: چون با والدین خود انس دارد، آن ها را عامل امنیت و آرامش می داند. والدین خود را دوست دارد. علاقه خود را نسبت به آن ها به صورت ناقص در کلام نشان می دهد. نسبت به توانمندی های خود اطمینان دارد. خود را موجودی ارزشمند می داند.	کودک در مواجهه با والدین و مراقبین اصلی خود: حالت هایی از دوسوگرایی در محبت نسبت به والدین و دیگران دارد. در مورد اعتماد به دیگران و والدین حالتی دوسوگرایانه دارد. به دلیل وجود خاطرات منفی برای حرف های والدین اعتباری قائل نیست. مقابله با امر و نهی های والدین را دوست دارد.

مراحل تحول القا و لحن در کودک	توان‌های رشدی کودک	شاخص‌های رشد	شاخص‌های نواقص رشد
مرحل سوم	نطق	قدرت بروز عواطف خود را با استفاده از کلمات دارد. در بروز عواطف و هیجانات خود از انواع توان‌ها (رفتاری- گفتاری) به درستی و به جا استفاده می‌کند. کودک باوقار و متین برخورد می‌کند. آرامش در کودک تثبیت شده است. نسبت به رفتارهای طیب مثل نماز و ... علاقه و رغبت نشان می‌دهد.	کودک به دلیل آستانه تحمل پایینی که دارد، تحریک‌پذیر است. کودک دچار پرخاشگری است. بی‌پروایی و جسارت در رفتارهای کودک قابل مشاهده است. کودک خود کنترلی لازم را در موضوعات مختلفی که نسبت به آن باید مراعات داشته باشد، ندارد (مانند پوشش، کلام، آداب اجتماعی و ...). در انجام کارهای روزمره خود اظهار ناتوانی و عجز دارد.
	قول	در کلام خود و دیگران انواع لحن طیب و غیر طیب را می‌شناسد. قدرت تمایز لحن خوب از غیرخوب را دارد. احساسات خود را به خوبی می‌شناسد و از هم تمایز می‌دهد. به دلیل القائات درست والدین، دلائل درستی برای انجام کارهایش دارد. برای رفتارهای درست مثل نماز اهمیت قائل است. کودک خود را در انجام کارهایش توانمند می‌داند.	کودک نسبت به خود بی‌اعتماد است. کودک نسبت به والدین خود و دیگران بدگمان است. کودک خود را ملزم نمی‌داند بر سر قول‌هایی که می‌دهد، بماند. کودک توانایی تحلیل‌های ساده عقلانی را ندارد. کودک نمی‌تواند نیت خیر افراد را در پس رفتارهایشان درک کند. برای کودک تمایزی بین لحن‌های طیب و غیر طیب ایجاد نشده است.

مراحل تحول القا و لحن در کودک	توان‌های رشدی کودک	شاخص‌های رشد	شاخص‌های نواقص رشد
مرحله سوم	کلام	کودک به خود و توانایی‌هایش اعتماد دارد. گزاره‌های درست درباره خود، والدین، دیگران و دنیا در کودک شکل گرفته است و با توجه به شرایط مختلف، توان رجوع به آن‌ها را دارد. کودک توانایی تحلیل‌های ساده عقلی (حالتی از محاسبه‌گری و تفکر ساده در کودک) را دارد. کودک بر اساس گزاره‌های درستی که در او شکل گرفته است، به خدا احساس خوشایندی دارد.	اوامر و نواهی والدین برای کودک بی‌اهمیت است. کودک خود را محترم و ارزشمند نمی‌داند. کودک نسبت به خدا احساس خوشایندی ندارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مطالعات تربیتی و روانشناسی خاندان

سال پنجم، شماره نهم

بحث و نتیجه‌گیری

برقراری ارتباط حسنه عاطفی با دیگران به‌ویژه فرزندان، یک هنر است که والدین باید برای کسب این مهارت بکوشند. رابطه عاطفی مطلوب در میان افراد جامعه، مهم‌ترین نقش را در زندگی انسان دارد و شاید بتوان گفت هیچ یک از تجارب زندگی انسان به اندازه روابط عاطفی والدین در رشد شخصیت سالم فرزند مؤثر نیست (دهقان نیری، ۱۴۰۰، ص ۶۶). در این زمینه توجه به القائات و انواع لحن‌های جاری در کلام توسط والدین، در تربیت کودک و در ادامه قرار دادن او در مسیر حقیقی رشد، نقش کلیدی و اثرات عمیقی دارد. بدین ترتیب این پژوهش در پی بازشناسی جایگاه مؤثر القائات و انواع لحن در روند رشد حقیقی کودک (رشد از منظر تعریف قرآنی آن) و ملموس و عینی کردن اثرات این مؤلفه کلام به واسطه استخراج شاخص‌های رشد و نقص رشد کودک به صورت جزئی و دقیق بود. بررسی دقیق تر رابطه بین لحن و عاطفه در کلام، نشان می‌دهد که لحن به عنوان یکی از عناصر مهم زبان، نقش بسزایی در انتقال عواطف و احساسات دارد. به طور خاص لحن می‌تواند نگرش و احساسات گوینده را نسبت به محتوای پیام ادبی منعکس کند و این امر به درک بهتر مخاطب کمک می‌کند (Dewaele & Pavlenko, 2004, p.6).

اگر کودکان از طریق لحن کلام، رابطه عاطفی عمیق با والدین خود را احساس کنند، به افراد بزرگسال سالمی تبدیل می‌شوند. آسیب‌ها در دنیای امروز به علت عدم تأمین نیازهای عاطفی اساسی شکل می‌گیرد. از میان نیازهای عاطفی اساسی، نیاز رابطه و پذیرش نیازی است که در آن عواطف نقش اصلی را بازی می‌کنند. احساسات والدین حتی زمانی که فکر می‌کنند آن‌ها را در کنترل خود دارند، از طرق زیادی با کودکان ارتباط برقرار می‌کند. اغلب ارتباط‌ها نه تنها به وسیله کلمات، بلکه به طرق غیر کلامی مثل زبان بدن، لحن صدا، رفتار و طرز نگاه کردن شکل می‌گیرند. این امر به نقش و اثرات القا نیز شاره دارد.

با توجه به نقش مبنایی حواس در شکل‌گیری اعمال کودک و ارتباط مستقیم لحن کلام با عواطف کودک، این مسئله می‌تواند سبک دلبستگی کودک به والدین به‌ویژه مادر را تحت الشعاع قرار دهد و تعیین‌کننده باشد. نظر به اینکه پژوهش‌های متعدد مؤید این

نکته است که ابراز محبت والدین به فرزندان و ایجاد دلبستگی ایمن در دوران رشد و تحول روانی، مهم‌ترین عامل سلامت جسمی و روانی کودک و عدم آن موجب ناهنجارهای سازشی و رفتاری و حتی جسمانی است (صدیقی ارفعی و نجاریان، ۱۳۹۰، ص ۱۶)، توجه به نوع لحن‌هایی که در ارتباط با کودک استفاده می‌شود؛ اهمیت ویژه‌ای دارد. همچنین تعاملات مراقب - کودک و واکنش‌های مراقب به کودک، نقشی اساسی در شکل‌گیری دلبستگی کودک ایفا می‌کنند (اکبریان و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۹) که طبیعتاً این تعاملات، با انواع لحن‌هایی که در کلام والد با کودک جریان دارد، در هم آمیخته می‌شوند و القاءات رفتار، الفاظ، قالب‌های بیانی، تن صدا و زبان بدن مراقب را در سیطره خود قرار می‌دهند و در نهایت بر ایمن یا نایمن شدن دلبستگی کودک اثر می‌گذارند. همچنین انواع لحن مورد استفاده توسط والدین، به نوع سبک‌های ارتباطی والدین با فرزندشان نیز گره می‌خورد و سبک ارتباطی مقتدرانه والدین، رابطه مثبت و معناداری با دلبستگی ایمن در فرزند دارد (زینالی، ۱۳۹۲، ص ۲۰).

انواع لحن با بهره‌گیری از آیات قرآن در چندین دسته قابل تقسیم‌بندی هستند؛ مانند لحن دعایی، پرسشی، تعجبی، امر و نهی، خبری، تشویقی، توبیخی و ... که ظهور هر کدام از انواع لحن در کلام متناسب با مقاطع زندگی کودک می‌تواند لحن‌های والدین را برای کودک متمایز کند (اخوت، ۱۳۹۶، ص ۶۸). هر کلامی دارای لحن است و لحن اثرات القایی دارد؛ به‌گونه‌ای که می‌توان گفت نفوذ کلام به واسطه لحن آن است. والدین می‌توانند انواع لحن‌های توبیخی، تشویقی، حمایتی، هدایتی و یادآوری و مانند آن را در فرایند تربیت خود به‌کار گیرند و بر آن تمرکز کنند (اخوت و فیاض، ۱۳۹۵، ص ۷۱). در طول دوران کودکی با تکیه بر چگونگی سخن گفتن پدر و مادر و یا هر فرد دیگری که با کودک در ارتباط است، می‌توان با تأثیرگذاری روی حواس، ادراکات و عواطف کودک، تفکر و تعقل او را در مسیر طیب سوق داده شود. استفاده از ظرفیت‌های القا و لحن کلام به عنوان ابزاری برای تأثیرگذاری روی حواس و ادراک و عاطفه کودک، در این دوره قابل پیگیری است (اخوت و قاسمی، ۱۴۰۰، ص ۳۴). در این میان مادران در مقایسه با پدران، به دلیل اینکه مدت زمان بیشتری را با فرزندان خود سپری می‌کنند و رابطه محبت‌آمیز عمیقی بین آن‌ها حاکم است، می‌توانند با استفاده

از این ابزار، نقش متمایزی در توسعه عاطفی و ارتباطی کودکان خود ایفا کنند. از آنجایی که تحقیقات نشان می‌دهد القا و لحن گفتار می‌تواند بر تصمیم‌گیری‌ها و رفتارهای افراد تأثیر بگذارد، بررسی این اثرات در دوره‌های دیگر رشد قابل پیگیری است. همچنین بررسی القا و لحن در فرهنگ‌ها و زبان‌های مختلف و اثرات متفاوت آن در روند رشد کودک موضوع دیگری است که پژوهش درباره آن می‌تواند نقش مهم این مؤلفه در کلام را هویدا کند. همچنین تدوین بسته‌های آموزشی بر این مبنا و بررسی اثربخشی آن بر متغیرهای مختلف و یا تنظیم پروتکل‌ها و مداخلات درمانی بر مبنای اصلاح القا و لحن کلام والدین می‌تواند بابتی نوین در فرزندپروری و اصلاح سبک زندگی را بگشاید.



فهرست منابع

الف. منابع فارسی

۱. اخوت، احمد رضا (۱۳۹۲ ش)، دوره‌های رشد تفکر اجتماعی: رشد، پیش از تولد تا آغاز تکلم؛ دوره ظهور ولایت و تأدیب؛ تهران: نشر قرآن و اهل بیت نبوت ﷺ.
۲. _____ (۱۳۹۳ ش)، معاشناسی رشد، تهران: نشر قرآن و اهل بیت نبوت ﷺ.
۳. _____ (۱۳۹۶ ش)، با کودکان خود طیب سخن بگوییم، تهران: نشر قرآن و اهل بیت نبوت ﷺ.
۴. _____ (۱۳۹۴ هـ ش)، فرآیندشناسی رشد، تهران: نشر قرآن و اهل بیت نبوت ﷺ.
۵. _____ (۱۳۹۴ هـ ش)، تدبیر در هستی؛ تدبیر در کلام، تهران: نشر قرآن و اهل بیت نبوت ﷺ.
۶. اخوت، احمد رضا و مریم ادیب (۱۳۹۸ ش)، سند بایسته‌های تربیت کودک طیب، تهران: نشر قرآن و اهل بیت نبوت ﷺ.
۷. اخوت، احمد رضا و فاطمه فیاض (۱۳۹۵ ش)، اصول و مهارت‌های تربیت کودک ۲ تا ۷ سال با رویکرد طیب‌گزینی، تهران: نشر قرآن و اهل بیت نبوت ﷺ.
۸. اخوت، احمد رضا و مریم قاسمی (۱۴۰۰ ش)، تحلیل جایگاه کلام در ساختار انسان، تهران: نشر قرآن و اهل بیت نبوت ﷺ.
۹. _____ (۱۳۹۶ هـ ش)، ناس؛ مواجهه انسان با لقا و القای اثر، تهران: نشر قرآن و اهل بیت نبوت ﷺ.
۱۰. _____ (۱۳۹۶ هـ ش)، سند تعلیم و تزکیه، تهران: نشر قرآن و اهل بیت نبوت ﷺ.
۱۱. اسلامی، محرم (۱۳۸۴ ش)، واج‌شناسی: تحلیل نظام آهنگ زبان فارسی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۱۲. اکبریان فیروزآبادی، مهسا، علی بهاری و شهرام محمدخانی (۱۳۹۶)، «رابطه سبک‌های فرزندپروری والدین و آسیب‌های کودکی ادراک شده فرزندان با سبک‌های دلبستگی بزرگسالی آن‌ها»، خانواده پژوهی، دوره ۱۳، ش ۱، ص ۴۵-۲۵.
۱۳. دهقان نیری، مهدیه (۱۴۰۰)، «طراحی بسته آموزشی تربیت عاطفی مبتنی بر کلام بر مبنای آموزه‌های اسلامی برای مادران دارای کودک زیر ۷ سال»، دانشگاه الزهراء ﷺ، کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی تربیتی.
۱۴. زینالی، علی (۱۳۹۲)، «تأثیر شیوه‌های تربیتی والدین بر نوع دلبستگی فرزندان»، خانواده پژوهی، دوره ۹، ش ۱، ص ۸۱-۶۳.
۱۵. صدیقی ارفعی، فریبرز و زکیه نجاریان (۱۳۹۰)، «مصادیق دلبستگی در روابط والدین و فرزندان با استناد به روایات اسلامی»، نشریه مطالعات اسلامی در تعلیم و تربیت، ش ۴، ص ۱۳۶-۱۱۱.
۱۶. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۱ ش)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۱۷. فرامکین، ویکتوریا، رابرت رادمن و نینام هیامز (۱۳۸۷ ش)، درآمدی بر زبان‌شناسی همگانی، ترجمه علی بهرامی و سهیلا ضیاءالدین، تهران: انتشارات رهنما.
۱۸. قدیری، روح‌الله (۱۳۹۰ ش)، بررسی و شناخت روش‌های مطالعه آینده، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.

۱۹. قطب، سید ابراهیم حسین (بی تا)، *التصویر الفني في القرآن*، مصر: دارالشروق.
۲۰. کرد، نرگس، محمدرحیم شاهبداغی، سیده مریم خدامی، ماندانا نوربخش و شهره جلایی (۱۳۹۱)، «بررسی وابسته‌های آکوستیکی آهنگ گفتار و قابلیت فهم گفتار در کودکان کاشت حلزون شده و مقایسه آن با کودکان دارای شنوایی طبیعی»، *مجله علمی پژوهشی توانبخشی نوین*، دوره ۶، ش ۴، ص ۱۰-۱.
۲۱. کرین، ویلیام کریستوفر (۱۳۹۵ ش)، *نظریه‌های رشد مفاهیم و کاربردها*، ترجمه غلامرضا خوی نژاد و علیرضا رجایی، تهران: رشد.
۲۲. لویی‌س، ج. ف. (۱۳۹۹ ش)، *فرزندپروری با کفایت*، تهران: ارجمند.
۲۳. وامقی، روشنک، فیروزه ساجدی، فریبا یادگاری و همکاران (۱۳۹۴)، «تدوین پروتکل مداخلات به هنگام در تأخیر تکامل گفتار و زبان کودکان خردسال: یک تجربه منحصر به فرد در کشور»، *فصلنامه آرشو توانبخشی*، دوره ۱۶، ش ۴، ص ۲۷۰-۲۵۹.
۲۴. هاشمی آشتیانی، منصوره، محمدکاظم رحمان ستایش و محمدعلی مهدوی‌راد (۱۴۰۱)، «لحن گفتار خداوند و تأثیر آن در تفسیر قصص قرآن»، *دوفصلنامه علمی پژوهشی آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث*، دوره ۴، ش ۱، ص ۷۹-۶۱.

ب. منابع لاتین

1. Ahmadsoltani, M. (2007). Contrastive analysis of English-Persian intonation. *Azad University-Tehran School of Medicine*.
2. Cutler, A., & Swinney, D. A. (1987). Prosody and the development of comprehension. *Journal of Child Language*, 14(1), 145-167. <https://doi.org/10.1017/S0305000900012782>
3. Dewaele, J.-M., & Pavlenko, A. (2004). Languages and emotions: A crosslinguistic perspective. *Journal of Multilingual and Multicultural Development*, 25(2-3), 93-93.
4. Frota, S., & Butler, J. (2018). Early development of intonation. In P. Prieto & N. Esteve-Gibert (Eds.), *The development of prosody in first language acquisition* (pp. 145-164). John Benjamins Publishing Company. <https://doi.org/10.1075/tilar.23.08fro>
5. Johnson, E. K., & Seidl, A. (2009). At eleven months, prosody still outranks statistics. *Developmental Science*, 12(1), 131-141. <https://doi.org/10.1111/j.1467-7687.2008.00764.x>
6. Kim, S. (2016). The impact of soothing sounds on infant stress levels. *Journal of Child Psychology*, 45(3), 234-245.
7. Liu, L & Götz, A & Lorette, P & Tyler, M. D (2022). *How Tone, Intonation and Emotion Shape the Development of Infants' Fundamental Frequency Perception*. *Frontiers in Psychology*, 13, 906848. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2022.906848>
8. Liu, L., Götz, A., Lorette, P., & Tyler, M. D. (2022). How tone, intonation and emotion shape the development of infants' fundamental frequency perception. *Frontiers in Psychology*, 13, 906848. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2022.906848>

9. Maa, N., Hall, T., & Barker, T. (2008). Using an expert panel to empirically validate a requirements engineering mediation model. *Journal of Systems and Software*, 81(6), 1001-1012. <https://doi.org/10.1016/j.jss.2004.06.004>
10. Maykut, P., & Morehouse, R. (1994). *Beginning qualitative research: A philosophical and practical guide*. London: The Falmer Press.
11. Pronina, M., et al. (2021). Bridging the gap between prosody and pragmatics: The acquisition of pragmatic prosody in the preschool years and its relation with theory of mind. *Frontiers in Psychology*, 12, 1234. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2021.662124>
12. Roach, P. (1947). *English phonetics and phonology*. Cambridge: Cambridge University Press.
13. Stones, E. (1979). *Reading in educational psychology*. London: Methuen.
14. Wells, B., Peppé, S., & Goulondris, N. (2004). Intonation development from five to thirteen. *Journal of Child Language*, 31(4), 749-778. <https://doi.org/10.1017/S0305000904005869>

